روزنامه شرق

دوشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۳
۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶
۹ دسامبر ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۹۹۵
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

سخنگوی دولت در جمع دانشجویان علامه طباطبایی با تکرار شعار زنده باد مخالف من:

توسعه‌یافتگی نیاز به شنیدن دارد

۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: قالیباف: اگر دولت اصلاحی بر قانون حجاب دارد، لایحه بدهد • پرسپولیس در موقعیتی غریب • چالش‌هایی که با نخستین قسمت «اکنون» از راه رسید

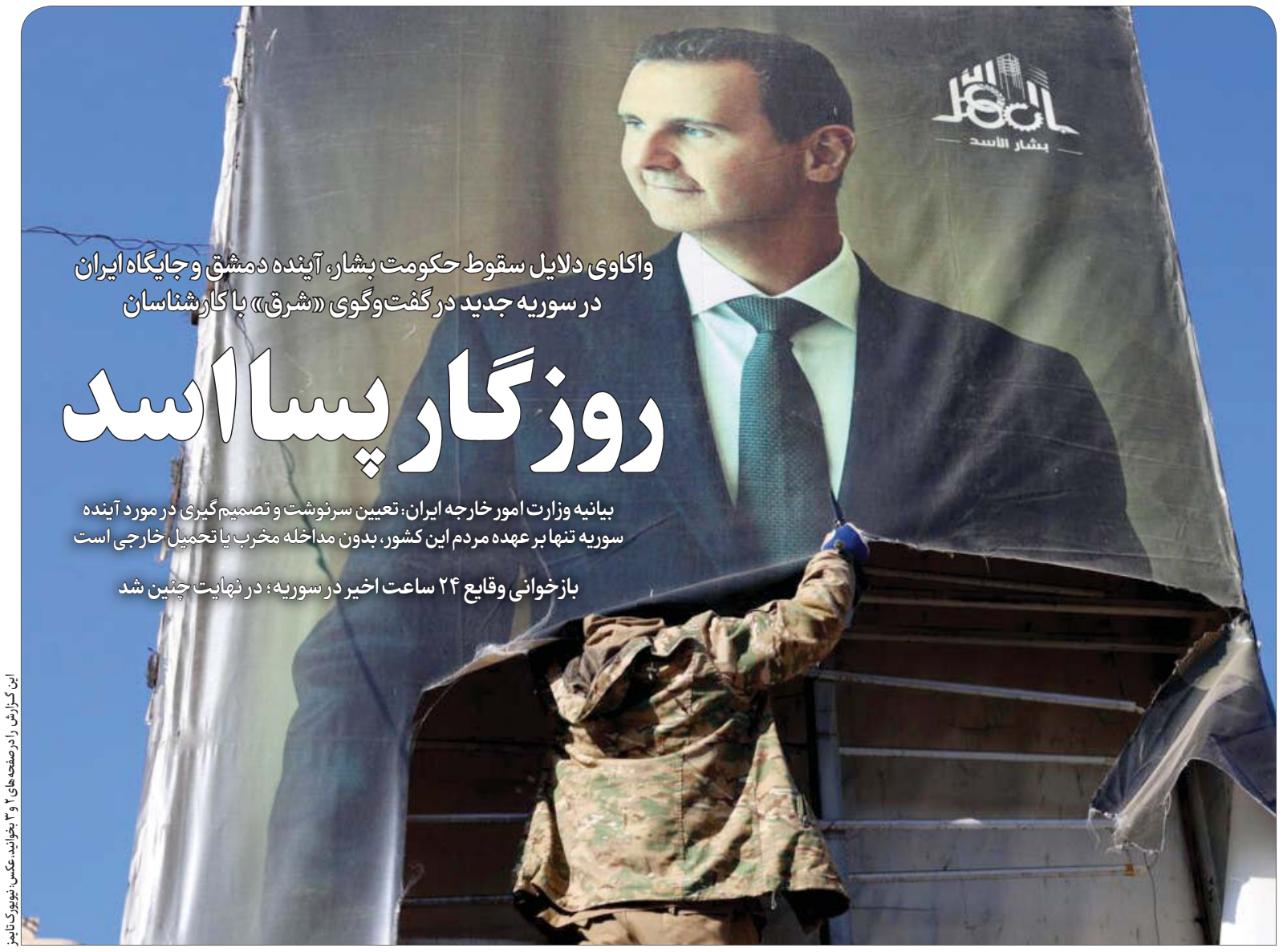

واکاوی دلایل سقوط حکومت بشار، آینده دمشق و جایگاه ایران در سوریه جدید در گفت‌وگوی «شرق» با کارشناسان

روزگار پسا اسد

بیانیه وزارت امور خارجه ایران: تعیین سرنوشت و تصمیم‌گیری در مورد آینده سوریه تنها بر عهده مردم این کشور، بدون مداخله مخرب یا تحمیل خارجی است

بازخوانی وقایع ۲۴ ساعت اخیر در سوریه؛ در نهایت چنین شد

این گزارش را در صفحه‌های ۲ و ۳ بخوانید.

عکس: نیویورک‌تایمز

سرمقاله

تجلی جامعه مدنی قدرتمند

حمزه نوذری
جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

در حدود صد سال پیش گرامشی، جامعه‌شناس ایتالیایی، در زندان دوره فاشیستی نوشته است: مهم‌ترین تفاوت شرق و غرب در وجود یا نبود جامعه مدنی است. از نظر او در غرب جامعه مدنی قوی و گسترده‌ای وجود دارد که اجازه تغییرات انقلابی نمی‌دهد؛ به‌این‌دلیل که از وضعیت رضایت دارد و دولت توانسته است اقتصاد را در خدمت جامعه مدنی قرار دهد. درحالی‌که در شرق جامعه مدنی در مرحله جنینی است و به‌همین‌دلیل در شرق، تغییرات ناگهانی مانند انقلاب خیلی سریع پیش می‌رود. علاوه‌براین از نظر گرامشی برای ایجاد تغییرات بنیادین نیاز به اجماع و رضایت گروه‌های مختلف جامعه مدنی است. اما جامعه مدنی قوی فقط در آلمان، فرانسه، انگلستان و آمریکا نیست. اعلام حکومت نظامی در کره جنوبی که با مقاومت و ایستادگی جامعه مدنی کره جنوبی به شکست انجامید، نشان می‌دهد که کره جنوبی دارای جامعه مدنی قوی است که جلوی هر رخداد ضد توسعه‌ای می‌ایستد و اجازه ارتجاع به دولت نمی‌دهد. قبل از گرامشی دورکیم، یکی از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی، اشاره می‌کند که دولت قوی لازم است تا فرد را از سلطه و جباریت خانوادگی، پدرسالاری و صنفی نجات دهد و در مقابل، گروه‌بندی حرفه‌ای (بخوانیم جامعه مدنی) قوی لازم است تا دولت، استبدادی نشود. جامعه مدنی قوی و گسترده اجازه استبدادی‌شدن را به دولت نمی‌دهد و از جامعه محافظت می‌کند. جامعه مدنی در مقابل هرگونه سیاست، برنامه و تغییر رادیکالی که حقوق شهروندان را نادیده بگیرد و گروه‌های مختلف جامعه را اقناع نکند، می‌ایستد.

در اواخر قرن بیستم، ایوانز، جامعه‌شناس معاصر، معتقد است در کره جنوبی دولت، جامعه مدنی و بازار به تعامل و ارتباط مناسبی دست یافته‌اند که توسعه را در این کشور محقق کرده است. او از مفهوم استقلال حک‌شده برای توضیح دولت توسعه‌گرای کره جنوبی استفاده می‌کند. استقلال حک‌شده یعنی دولت در کره جنوبی ابتدا خود را از سلطه گروه‌های قدرتمند خاصی نجات داد و این کار را با سازوکار حک‌شدن در جامعه مدنی محقق کرد. دولت، سپس توانست نخبگان اقتصادی و شرکت‌ها را در ارتباط و تعامل مناسب با جامعه مدنی قرار دهد. توسعه در کره جنوبی محصول هم‌افزایی سه عرصه دولت، جامعه مدنی و بازار است. این به آن معنا نیست که کره جنوبی هیچ مسئله و مشکلی ندارد و نظم حاکم آن بدون هیچ‌گونه نشتی است اما آرایش مناسبی بین سه عرصه جامعه مدنی، دولت و بازار ایجاد شده است. هرچند که به جهت قدرت روزافزون شرکت‌های بزرگ، این کشور نیاز دارد مجددا آرایش بین سه عرصه را بازبینی کند. تجربه شکست اعلام حکومت نظامی نشان داد که جامعه مدنی کره جنوبی اعم از احزاب، رسانه‌ها، اتحادیه‌های کارگری و... قدرتمند هستند و اجازه نمی‌دهند جامعه در مقابل زیاده‌روی‌های دولت آسیب ببیند. زمانی که قدرت سیاسی حاکمه به این نتیجه رسید که جامعه مدنی مقاومت می‌کند و اجازه نمی‌دهد جامعه به شیوه حکومت نظامی اداره شود، هرچند قانون این اختیار را به رئیس‌جمهور داده است، عقب نشست و به خواست جامعه مدنی تن داد، از جامعه عذرخواهی کرد و بسیاری از دولتی‌ها استعفا دادند. جامعه مدنی در مقابل زیاده‌روی‌های دولت و بازار، خود را متجلی می‌کند. در مواجهه با سیاست‌ها و رفتارهای نادرست در دو عرصه دولت و بازار است که جامعه مدنی خود را نشان می‌دهد. جامعه مدنی یکدست وجود ندارد، اما در مواجهه با سیاست‌ها و عملکرد نامناسب دولت و بازار تا حدی یکدست می‌شود. جامعه مدنی در ایران نیز در چند روز گذشته در مقابل قانون حجاب و عفاف دغدغه‌ها، نگرانی‌ها و مباحثی با هدف انسجام اجتماعی، حقوق شهروندی، جلوگیری از خشونت و... مطرح کرده که لازم است دولت (نه به معنی قوه مجریه، بلکه قدرت به معنای عام) به آن توجه کند. در کل جامعه مدنی و قدرت آن برای انسجام اجتماعی و جلوگیری از هرگونه تغییرات ناگهانی پس‌رونده لازم است. جامعه مدنی قوی لازم است تا از کالایی‌سازی همه چیز و همه کس و دولت‌خواسته و دولت‌ساخته کردن جامعه جلوگیری شود. جامعه مدنی قوی برای دولت مفیدتر از ضعیف‌بودن آن است. برخلاف برخی افراد که معتقدند در ایران جامعه مدنی وجود ندارد یا بسیار ضعیف است، ما شاهد جامعه مدنی رو به توسعه‌ای هستیم که بیش‌ازپیش در مقابل دولت‌گرایی و بازارگرایی مقاومت می‌کند و خواستار تنظیم هر دو با خواست و اراده جامعه مدنی است.

یادداشت

تحولات سوریه و لزوم اتخاذ رویکرد عقلایی

احسان هوشمند

فروپاشی سریع رژیم سوریه برای بسیاری باورکردنی نبود. در هفته‌ها و روزهای اخیر، رسانه رسمی کشور از قول برخی مسئولان کشور که نقش مهمی در تصمیم‌سازی‌ها دارند، چنین تحلیل‌هایی از شرایط سوریه منتشر می‌کرد: «ارتش سوریه تکان بخورد، جولان را از اسرائیل پس می‌گیرد»! این سخنان را نه افراد دور از میدان، بلکه کسانی می‌گفتند که تجارب زیادی از حضور در سوریه داشتند. همچنین شب گذشته محمد جواد لاریجانی یکی از تحلیلگران ثابت صداوسیما، هم‌زمان با فرار بشار اسد از دمشق، در سیما گفت: «بعید است به این راحتی بشار اسد سقوط کند». چنین اعتمادبه‌نفسی درباره اوضاع سوریه در آن ساعات پایانی رژیم اسد حتی در اطلاعیه‌های ارتش سوریه هم به چشم نمی‌خورد؛ آن‌هم در شرایطی که بسیاری از تحلیلگران، حتی آنان که دور از میدان بودند، فروپاشی رژیم بعث سوریه را قریب‌الوقوع می‌دانستند. چرا حتی مسئولان میدانی هم نتوانستند شرایط پیش‌آمده را پیش‌بینی کنند؟ یکی از مسئولان سابق میدانی در گفت‌وگوی رسانه‌ای تاکید کرد: «ترک‌ها و بعضی از کشورهای عربی، ما را فریب دادند؛ اینها دو ماه قبل تضمین دادند که هیچ اتفاقی در سوریه نمی‌افتد». چنین گزاره‌هایی اهمیت ارزیابی و محاسبات چندلایه از شرایطی را که منجر به سقوط رژیم اسد و غافلگیری مسئولان ایرانی شد، دوچندان می‌کند. مگر می‌شود کشوری با انبوهی از مراکز تحقیقاتی و راهبردی، به سادگی توسط همسایه غربی با فریب مواجه شود و از رصد و بررسی عمیق تحولات میدانی و سیاسی و نظامی در منطقه غافل شود؟ آیا تنها با گفتن اینکه طرف ترکیه‌ای و کشورهای عربی منطقه مسئولان ایرانی را فریب دادند، می‌توان از پذیرش مسئولیت‌های چنین رخداد بزرگی صرف‌نظر کرد؟

حمایت از بشار اسد در دهه گذشته با هزینه‌های مالی، سیاسی، انسانی و حیثیتی صورت گرفت و فروپاشی سریع و همه‌جانبه رژیم اسد نیازمند تحلیل‌های چندوجهی فراوانی است.

۱- تا حدودی فروپاشی سریع رژیم حاکم بر سوریه را می‌توان با فروپاشی دور از انتظار دولت اشرف غنی در پاییز ۱۴۰۰ و برآمدن دوباره طالبان در افغانستان مقایسه کرد. همچنین فروپاشی بزرگ‌ترین قدرت هسته‌ای جهان یعنی اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز در اوایل زمستان ۱۹۹۱ در حالی روی داد که این دولت دارای بزرگ‌ترین زرادخانه اتمی جهان بود. در هر سه تجربه رژیم‌های حاکم بر افغانستان، شوروی سابق و سوریه، حمله خارجی یا قدرت نظامی مخالفان موجب سقوط نظام‌های حاکم نشد، بلکه اضمحلال نظام سیاسی و فرسودگی ساختار سیاسی و نیز تعمیق شکاف‌های حکومت با ملت به فروپاشی منجر شد و تنها یک فشار نیاز بود تا بند ضعیف اعمال حاکمیت از هم بگسلد.

۲- در جنگ داخلی سوریه که هم‌زمان با بهار عربی در سال ۲۰۱۲ آغاز شد، صدها هزار نفر از شهروندان سوری کشته و زخمی و چند برابر نیز از خانه و کاشانه خود آواره شدند. البته پس از چیرگی نسبی نیروهای حامی دولت بشار اسد بر مخالفان، دولت سوریه هیچ اقدام ملموس، نهادمند، مستمر و درخور توجهی برای ترمیم زخم‌های عمیق به‌وجودآمده صورت نداد و با روش گذشته اداره کشور سوریه را پی گرفت. حتی برای بازسازی اقتصاد کشور نیز اقدام محسوسی انجام نشد و تورم و فساد بیش از پیش هم زندگی مردم عادی را فلج کرد و هم به شکاف بیشتر ملت با دولت انجامید. خستگی و سرخوردگی عمومی موجب شده بود تمام علقه‌ها و مناسبات ملت و دولت با چالش روبه‌رو شود؛ هرچند دولت حاکم مدعی حمایت حداکثری شهروندان سوری بود! تحلیل اوضاع داخلی سوریه در سال‌ها، ماه‌ها، روزها و ساعات پایانی حکومت بشار اسد نیازمند اطلاعات ریزتر و دقیق‌تری است، اما آنچه مایه شگفتی است، ارزیابی‌ها و تحلیل‌های نیروهای میدانی و گروهی از مسئولان کشور از شرایط سوریه در هفته‌ها و ماه‌های گذشته است. مگر دستگاه‌های مسئول مستقر در سوریه، به‌عنوان بخشی از وظایف سازمانی و اداری خود، رصد دقیق تحولات سوریه و ارزیابی شرایط را وظیفه خود نمی‌دانستند؟ ممکن است گفته شود بخش‌هایی از دستگاه‌های مسئول مستقر در سوریه از شرایط و تحولات آگاه بودند، اما رسانه رسمی کشور اجازه حضور صداهای متفاوت برای اطلاع افکار عمومی از تحولات سوریه را نمی‌داد. در هر دو حالت باید این وضعیت را آسیب‌شناسی کرد؛ چراکه هزینه‌های تحمیل‌شده بر منافع ملی طالب چنین ارزیابی و آسیب‌شناسی است. پس از تحولات ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ عراق در مصاحبه‌ای که با یکی از نشریات داشتم، تأکید شد که چرا مسئولان میدانی رصد دقیقی از تحولات سوریه و عراق نداشتند و از ظهور داعش و قدرت‌گرفتن داعش و جبهه النصره و حتی موضع‌گیری مسئولان حماس در سوریه غافلگیر شدند و در نتیجه این ناکارآمدی هزینه‌های گزافی به کشور و منطقه وارد شد. اما گوش شنوایی برای بازخواست و آسیب‌شناسی و تجدیدنظر در رویه‌ها وجود نداشت.

۳- حضور ایران در سوریه افزون بر هزینه انسانی، میلیاردها دلار هزینه در پی داشت. تحولات اخیر سوریه همچنان می‌تواند منافع ملی کشور را به صورت‌های گوناگون تحت تأثیر قرار دهد. آسیب‌شناسی هدف‌گذاری‌ها و سیاست‌های گذشته و فعالیت دستگاه‌های ذی‌ربط و نقادی روش‌ها و رویه‌های منتهی به شرایط امروز یک ضرورت ملی است. پیامدهای شرایط جدید برای کشور تابعی از بازبینی، بازنگری و آسیب‌شناسی روندهای پیشین و تعریف سیاست‌ها و اهداف جدید است. پیامد تحولات پیچیده سوریه به کل منطقه سرایت می‌کند و می‌تواند در لبنان، عراق، فلسطین، یمن و حتی قفقاز و شرق ایران اثرات پیش‌بینی‌نشده‌ای در پی داشته باشد. امروز وقت بررسی صورت‌حساب اقتصادی، سیاسی، انسانی، اجتماعی، داخلی، خارجی و منطقه‌ای حمایت‌های دهه گذشته از بشار است. بررسی دقیق این روند می‌تواند به طراحی هدفمند، معقول و مبتنی بر منافع ملی سیاست‌های تازه منجر شود.

۴- بررسی نقش ترکیه در تحولات سوریه در دهه گذشته و اهداف و برنامه‌های ترکیه در سوریه و منطقه حاوی یک واقعیت نگران‌کننده است. اسلام‌گرایان ترکیه که با هدف تنش صفر با همسایگان کار خود را در حدود دو دهه پیش آغاز کردند، امروز با عطش سیری‌ناپذیر به دنبال توسعه‌طلبی و مداخله آشکار و گسترده در خارج از مرزهای خود و امور داخلی دیگر کشورها به‌ویژه همسایه‌ها هستند. حضور نظامی گسترده ترکیه در خارج از مرزهای خود، حتی از حضور نظامی در خارج از کشور، از ارتش انگلستان، روسیه، فرانسه و چین پیشی گرفته است. در این موقعیت، تحولات سوریه انگیزه دولت ترکیه را برای پیشبرد سایر برنامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خود دوچندان می‌کند. تحریک افکار عمومی و جلب نظر گروهی از شهروندان ترکیه با اهداف داخلی و انتخاباتی، تنها بخشی از علل بروز رویکردهای ترکیه در سوریه و منطقه است. دلایل ایدئولوژیک و سیاسی دیگری هم بر کنشگری ترکیه در محیط بلافصل بین‌المللی اثرگذار است. یکی از مقامات بلندپایه میدانی کشور از فریبکاری ترکیه در رویدادهای اخیر گفته است؛ البته نگفته‌اند که ورود در مناسبات سیاسی همچون خرید از یک بقالی نیست که به راحتی مقهور فریب شود. سیاست نیازمند درک واقع‌بینانه بر مبنای مطالعات فراوان و بهره‌گیری از خرد جمعی از مناسبات جهانی بر اساس منافع ملی است. اما جدا از فریب‌خوردن مسئولان کشور از ترکیه، باید بیش از پیش درباره برنامه‌های آتی ترکیه اندیشناک بود و فکری کرد تا دوباره این فریب‌ها تکرار نشود و هزینه‌های گزافی بر ملت تحمیل نشود. در شرایطی که کشور با سیاهه بلندبالایی از مسائل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دست‌به‌گریبان است و آتش اختلافات جناحی و در ادامه آن تندروی بی‌منطق گروهی غیرپاسخ‌گو، کشور را آبستن حوادث نگران‌کننده محتملی کرده است، بیش از پیش بر مبنای منافع ملی باید به بازبینی و تجدیدنظر درباره سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای اندیشید و به شکلی عقلایی و هدفمند برای گذر کشور از چنین شرایط دشواری اقدام کرد.

برگزیده‌ها

«شرق» در میزگردی ابعاد مختلف طرح «تقویت نظام آموزش‌وپرورش» را بررسی کرد

طرحی برای پولی‌سازی آموزش

۶

در گفت‌وگو با معاون سازمان محیط زیست مطرح شد

به محیط زیست اطلاعات نمی‌دهند

۸

«شرق» استاندارد دوگانه نظام بانکی در پرداخت تسهیلات را بررسی می‌کند

انحراف بانکی

۴

در نشست بیمه و عدالت شغلی مطرح شد

زنان ۹ برابر مردان بی‌کار شده‌اند

۱۱

افشای تخلفات اجرائی طرح من شهردارم ۳ در صحن علنی شورای شهر تهران

عددسازی ممنوع!

۱۰

نگاه

به کجا چنین شتابان

یادداشتی از سیدقاسم زمانی

۵

یادداشت

شعار امسال سازمان ملل متحد

اتحاد با جوانان در برابر فساد

امیرحسام اسحاقی
استاد دانشگاه

امروز دوشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۳/ ۹ دسامبر ۲۰۲۴، «روز جهانی مبارزه با فساد» نام‌گذاری شده است. دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرائم سازمان ملل متحد، «اتحاد با جوانان در برابر فساد» را به‌عنوان شعار امسال این سازمان انتخاب کرده است. این دفتر با هدف ارتقای آموزش و توانمندسازی جوانان در پیشگیری و مقابله با فساد، «مرکز جهانی آموزش مبارزه با فساد و توانمندسازی جوانان» (GRACE) را راه‌اندازی کرده است. ابتکار این سازمان، اشاعه دانش و تجربه کار با رسانه‌ها، مربیان، دانشگاهیان، شخصیت‌ها و جوانان برای مبارزه بی‌امان با فساد و ترویج فرهنگ ضدفساد در سطح بین‌المللی است.

فساد، ساختار اخلاقی جامعه را فرسایش می‌دهد و پیشرفت را به چالش می‌کشد. کشور، زندگی و آینده مردم را ویران می‌کند. فشار زیادی بر سیستم قضائی وارد می‌کند و گاهی قضات را مجبور می‌کند تا در محیط پیچیده‌ای که هم مداخله سیاسی و هم رشوه وجود دارد، قضاوت کنند. به‌ویژه وکلای جوان را از منظر اخلاقی به چالش کشیده و موجب تضعیف اعتماد عمومی به نهادهای مستقل شده است. جوانان بیش از همه قربانی فساد هستند.

ادامه در صفحه ۵

انتشارات شرق منتشر کرد